

یِ دِ

بویِ یاس - مویِ مَن - میمون - میدان - مَریم - میامی - می آید
- یاسین - یاسَمَن - یاد - بیابان - زیاد - بریان - شایان - یاسِر -
مایه - سایه - دایی - دریا - بیات - بیان - نیاز - میان - دِی -
زینب - نِی - یزد - آیدا -

دایی یاسر از یزد می آید.

میمون در سایه نشسته است .

از بیرون بویِ یاس می آید.

یاسین رویش را می شوید.

شایان نی می زند.

روستایِ ما ، دشتِ سرسبزی دارد.

مادر موی زینب را شانه می زند.

یاسمن ستاره ی نورانی را میان آسمان به مریم نشان داد.

